

متن پرسش

جایگاه عقل و ایمان در شکل‌گیری عقاید بشری چیست؟ عده‌ای معتقدند عقل توان اثبات خدا و خیلی از اعتقادات دیگر من جمله جبر و اختیار را ندارد و بایستی به اینها ایمان آورد، آنها می‌گویند به عنوان مثال بر علیه تمام براهین اثبات خدا تاکنون نقضیات فراوان وارد شده است و عقل بشری کوچک‌تر از آن است که بتواند به چنین پیچیدگی‌هایی دست یابد، اسلام، دین تسلیم است و باید تسلیم شد و به آن فقط ایمان آورد. سوال بنده این است که اولاً اصول عقاید را چگونه بایستی تحقیق کرد و بدان دست یافت؟ با عقل یا ایمان؟ و اگر پاسخ ایمان است، این ایمان چیست؟ و به چه معناست؟ و یعنی آن مسلمان تازه به تکلیف رسیده، چه باید بکند برای تثبیت اصول عقایدش؟ و اینکه آیا مواردی در اسلام هستند که نتوان با عقل بدانها دست یافت و آنها را باید جز ایمانیات پنداشت؟ (همانطور که ابن سینا معاد جسمانی را اثبات نتوانست بکند و چون در شرع آمده تسلیم آن شد و آن را جزو ایمانیات دانست.) برای دریافت پاسخ تفصیلی اگر منابعی هم معرفی بفرمایید، ممنون می‌شوم. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوع نگاه ریشه در کلام مسیحی دارد که معتقد به موضوعاتی هستند که عقلانی نیست. ولی در مورد اسلام درست عکس آن مطرح است، حتی رسول خدا «صلى الله عليه وآله» به حضرت علی «عليه السلام» تذکر می‌دهند: «يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَيَّ خَالِقِهِمْ بِالْبِرِّ فَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ تَسْبِقُهُمْ» ای علی! وقتی مردم به انواع نیکی‌ها می‌خواهند به خدا نزدیک شوند تو با عقل، به خدا نزدیک شو، که از آن‌ها سبقت خواهی گرفت. عقل، متوجه حقایقی که دین می‌گوید می‌شود و با تبعیت از دین در حالی که عقل قانع شده باشد، قلب به صحنه می‌آید و انسان به آنچه عقل پذیرفته، ایمان خواهد آورد. در مورد معاد جسمانی که فلسفه‌ی مشاء در آن زمان نتوانست آن را اثبات کند، فلسفه‌ی حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا در زمان خودش آن را به صورتی عقلی و استدلالی ثابت کرد. قرآن در آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی حج موضوع عقل و قلب را کنار هم می‌آورد و می‌فرماید، «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» به این معنا که انسان نباید باوری داشته باشد که عقل آن را نپذیرد وگرنه آن باور الهی نیست، بلکه خرافی است. آری بعد از آن که انسان از طریق عقل متوجه حقایق شریعت شد و مبانی آن را عاقلانه دانست، در احکام می‌توان از دستورات شرع تبعیت کرد

مثل آن که می‌پذیریم نماز صبح دو رکعت است. موفق باشید